

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۸، ۱۹۷ - ۱۶۳

پتانسیل های ایجاد و انحراف تجارت در تجارت ترجیحی دوجانبه ایران (مطالعه موردی سوریه، ترکیه و اندونزی)

میترا نصیری**

سید مهدی ناصری*

پذیرش: ۸۸/۳/۲

دریافت: ۸۷/۵/۲۶

تجارت خارجی / تعرفه / موافقت نامه تجارت ترجیحی / ایجاد تجارت / انحراف تجارت /
شاخص های سازگاری

چکیده

ورود به موافقت نامه های تجارت ترجیحی به صورت دوجانبه، یکی از ابزارهای متنوعی است که کشورها برای توسعه تجارت خود از آن استفاده می نمایند. اگر چه در حال حاضر نظام تجارت چندجانبه در قالب سازمان جهانی تجارت، تا حدود زیادی به گسترش تجارت کمک می نماید، لیکن موافقت نامه های دوجانبه کماکان به عنوان ابزار سیاست تجاری اهمیت خود را حفظ کرده اند.

اقتصاد ایران در استفاده از این ابزار سیاستی در ابتدای راه قرار دارد و تجربه چندان قابل استناد و اعتنایی در زمینه تأثیرات این موافقت نامه ها ندارد. امضای یک موافقت نامه تجارت ترجیحی و اجرایی شدن آن، مستلزم آن است که پیش تر، مراحل چندی طی شده باشد، از جمله انتخاب طرف موافقت نامه و نیز مذاکره تجاری. بدیهی است موفقیت ابزار موافقت نامه های دوجانبه ترجیحی در گسترش تجارت، ارتباط مستقیم با نحوه به انجام رساندن مراحل قبلی آن، از جمله انتخاب طرف موافقت نامه، دارد. با انتخاب صحیح و مبتنی

mnasser2000@yahoo.com

mitra.nassiri@gmail.com

* پژوهشگر دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری

** پژوهشگر دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری

■ سید مهدی ناصری، مسئول مکاتبات.

بر اصول علمی طرفهای مذاکره، امکان حصول به نتایج مورد انتظار در زمینه گسترش تجارت افزایش می‌یابد.

در این مطالعه برآنیم تا با ارائه یک متدولوژی برای بررسی‌های اولیه انتخاب کشورها جهت عقد موافقت‌نامه، فرایند انتخاب طرفهای موافقت‌نامه را بر اصول علمی مبتنی نماییم. بدین منظور با استفاده از روش ارائه شده توسط مایکلی موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با سه کشور اندونزی، سوریه و ترکیه را از جهت پتانسیل‌های ایجاد و انحراف تجارت با یکدیگر مقایسه و آنها را رتبه‌بندی کرده‌ایم.

نتایج بررسی نشان داد که از میان سه کشور سوریه، ترکیه و اندونزی به عنوان طرفهای احتمالی تجارت ترجیحی با جمهوری اسلامی ایران، تجارت ترجیحی با اندونزی هم از حیث پتانسیل ایجاد تجارت و هم از نظر پتانسیل انحراف تجارت، می‌تواند موافقت‌نامه‌ای تأثیرگذارتر باشد. کشورهای ترکیه و سوریه از نظر پتانسیل‌های یادشده در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

طبقه‌بندی JEL: F100 , F140, F130

مقدمه

امروزه، هم نظریه‌های اقتصادی و هم مطالعات تجربی گسترده‌ای که در حوزه تجارت بین‌الملل صورت گرفته است، به قوت مدعی تأثیر مثبت گسترش تجارت بر اقتصاد کشورها و به ویژه بر رشد اقتصادی است. از همین روست که کشورها ضمن آنکه تلاش می‌نمایند از تمام ظرفیت سیاستگذاری ملی خود در حوزه تجارت خارجی بهره‌گیرند و نقش فعالانه‌ای به سیاستگذاری تجارت خارجی بخشند، در سازمان‌ها و همگرایی‌های اقتصادی بین‌المللی نیز نقش فعالی را ایفا می‌نمایند. نتیجه تداوم این روند، پیچیده‌تر و دشوارتر شدن ماهیت مذاکرات تجاری در سالهای اخیر است که طبیعتاً مستلزم ارتقای دانش و کارایی در حوزه تجارت برای ورود فعالانه به سیاستگذاری تجاری و نیز همگرایی‌های بین‌المللی است.

در دیپلماسی تجاری، معمولاً از سه ابزار برای رفع موانع تجاری و گسترش تجارت استفاده می‌شود که عبارتند از:

- ورود به نظام تجارت چندجانبه (الحاق به سازمان جهانی تجارت)
- ورود به ترتیبات و همگرایی‌های منطقه‌ای
- ورود به موافقت‌نامه‌های ترجیحی دوجانبه

به رغم آنکه اقتصاددانان در مفید بودن هر سه رویکرد یاد شده به طور همزمان اختلاف نظر دارند، لیکن در سالهای اخیر، به موازات عضویت اغلب کشورهای جهان در سازمان جهانی تجارت، کشورها تلاش زیادی را نیز صرف همگرایی‌های منطقه‌ای و یا انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و یا ترجیحی دوجانبه می‌نمایند. اقتصاد ایران و بخش بازرگانی خارجی آن در استفاده از هر سه ابزار یاد شده، در ابتدای راه قرار دارد. واقعیت آن است که برنامه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، علیرغم قدمت طرح موضوع آن، در ابتدایی‌ترین مرحله آن قرار دارد و تقریباً در نگاه خوش‌بینانه فاصله‌ای حداقل ده ساله تا عضویت در این سازمان و ورود به نظام تجارت چندجانبه پیش روی ماست. در حوزه همگرایی‌های تجاری منطقه‌ای نیز، اگر چه چندین پیمان تجاری منطقه‌ای در حال مذاکره

است، لیکن تاکنون هیچ موافقت‌نامه تجارت ترجیحی یا آزاد منطقه‌ای به مرحله اجرا نرسیده است، گویانکه موافقت‌نامه تجاری اکو موسوم به اکوتا و موافقت‌نامه تجاری D-8 در مرحله نهایی شدن است^۱. صرفاً در حوزه موافقت‌نامه‌های دوجانبه پیشرفت اندکی در سالهای اخیر به وقوع پیوسته است به طوری که از میان قریب ۱۵ موافقت‌نامه که با کشورهای دیگر مذاکره شده‌اند و یا در حال مذاکره‌اند، دو موافقت‌نامه به مرحله تصویب و اجرا رسیده‌اند.

با توجه به آنچه از وضعیت استفاده از ابزارهای گسترش تجارت در مورد اقتصاد ایران گفته شد، و با توجه به رویه‌های بخش بازرگانی کشور در سیاست‌گذاری تجارت خارجی، می‌توان چنین برداشت نمود که در میان مدت، راهکار متصور برای ایران برای گسترش تجارت (غیرنفتی) توسل به همگرایی‌های منطقه‌ای و عقد موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی با کشورهای مختلف است.

آنچه که در دستور کار مذاکره در این دو حوزه است، تنظیم و مذاکره یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی منطقه‌ای و یا دوجانبه است. از اینرو در این مطالعه برآنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که چنانچه ایران در انتخاب طرف‌های موافقت‌نامه تجارت ترجیحی فعال (و نه انفعالی) عمل نماید، با چه ملاک‌هایی باید طرف‌های موافقت‌نامه را انتخاب نماید و چگونه می‌توان طرف‌های احتمالی موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی را از حیث میزان تأثیرگذاری عقد موافقت‌نامه ترجیحی با آنها رتبه‌بندی و اولویت‌بندی کرد^۲.

۱. در میان اعضای اکوتا توافق شده است که از تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۰۸ این موافقت‌نامه اجرایی شود. لیکن به دلیل آنکه لیست کالاهای ترجیحی مورد مبادله قرار نگرفته است در عمل هنوز ترجیحی اعطا نمی‌شود. با این وجود بمحض مبادله لیستها از سوی اعضا، تعرفه‌های کشورهای در آوریل ۲۰۰۸ مبنای محاسبه کاهشهای تعرفه‌ای خواهد بود.

۲. در این مطالعه قصد برآورد آثار و منافع رفاهی موافقت‌نامه و یا محاسبه آثار ایجاد و انحراف تجارت را نداریم، بلکه صرفاً با معرفی و محاسبه شاخص‌های پیشینی (ex-ante)، پتانسیل‌های ایجاد و انحراف هر یک از موافقت‌نامه‌ها را محاسبه کرده و موافقت‌نامه‌های مهم و اثرگذار (چه این آثار مثبت باشد و چه منفی) را از غیر مهم بازشناسی خواهیم کرد. توضیح این نکته لازم است که در چارچوب ادبیاتی که در این بررسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، موافقت‌نامه ای مهم و اثرگذار (Relevant) است که پتانسیل ایجاد و انحراف آن بیشتر باشد. بدین اعتبار، موافقت‌نامه‌ها یا مهم هستند و یا غیر مهم. در صورتی که مهم باشند، ممکن است با توجه به آثار محتمل رفاهی شان سودمند و یا مضر به حال اقتصاد باشند. بنابر این در اصطلاحات فنی به کار رفته در این نوشتار، مهم تر یا تأثیر گذارتر به معنای در بر داشتن آثار بیشتر مثبت یا منفی است و سودمندی یا مضر بودن به معنای آن است که رفاه افزایش یا کاهش می‌یابد. در بخش چهارم مقاله به این مفاهیم بیشتر پرداخته شده است.

اهمیت پرداختن به این موضوع در آن است که اولاً با انجام این کار می‌توان با استفاده از یک شیوه استاندارد مبتنی بر پایه‌های علمی، بخشی از فرایند موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی را در مرحله انتخاب طرف‌ها، روشمند و مبتنی بر پایه‌های علمی کرد. ثانیاً، نظر به اینکه مذاکرات تجاری اساساً فرایندی پیچیده و زمان‌بر است که تا حصول به نتیجه و ظاهر شدن نتایج دوره چندساله باید طی شود، با استفاده از این روش می‌توان طرف‌هایی را که عقد موافقت‌نامه با آنها می‌تواند حائز تأثیرات مثبت بیشتری باشد شناسایی نموده و در اولویت مذاکره قرار داد. ثالثاً، روش بررسی در این مطالعه یک روش پیشینی (ex-ante) است و از اینرو قبل از ورود به موافقت‌نامه می‌توان به یک داوری در مورد مهم و موثر بودن یا نبودن یک موافقت‌نامه دست یافت. در این مطالعه بر آنیم تا عقد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با هر یک از سه کشور سوریه، ترکیه و اندونزی را بصورت دو جانبه از جهت تأثیرگذاری احتمالی با یکدیگر مقایسه کنیم. علت انتخاب این سه کشور این بوده است که مذاکرات انعقاد موافقت‌نامه، این کشورها اکنون در دستور کار قرار دارد. سازماندهی مطالعه به صورت زیر است:

در بخش بعدی به نظریه‌های مرتبط با PTA خواهیم پرداخت و در این اثنا به خاستگاهها و پرسش‌های بنیادین هر یک از دو دسته نظریات غالب اشاره کرده و ارتباط مطالعه حاضر را با نظریه‌های PTA روشن خواهیم نمود. در بخش سه مروری بر پیشینه تحقیق انجام گرفته است و در بخش چهارم متدولوژی انجام کار و شاخصهای مورد استفاده معرفی و تشریح شده‌اند. بخش پنجم به بررسی و محاسبه شاخصها و ملاکهای موثر بودن موافقت‌نامه‌ها در میان کشورهایی که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند می‌پردازد. بخش پایانی مقاله به جمع بندی و توصیه‌های سیاستی اختصاص دارد.

۱. چارچوب نظری

پس از طرح نظریه واینر^۱ (۱۹۵۰)، برخی از محققین از جمله سامرز^۲ (۱۹۹۱) درصحت اثر موسوم به انحراف تجاری تردید کردند، لیکن تحلیل‌های نظری بعدی از جمله پاناگاریا

1. Viner.

2. Summers (1991), page 209.

(۱۹۹۵ و ۱۹۹۶)^۱ و همینطور مطالعات تجربی مانند ییتس (۱۹۹۶)^۲، وی و فرانکل (۱۹۹۷)^۳ و همینطور تحلیل‌های اقتصاد سیاسی از جمله گروسمن و هلپمن^۴ (۱۹۹۵) و کریشنا^۵ (۱۹۹۵) حاکی از وجود اثر انحراف تجارت هستند.^۶ از دیگر مطالعاتی که در چارچوب تحلیل ایستا به موضوع ترجیحات تعرفه‌ای پرداختند، می‌توان به کمپ و ون^۷ (۱۹۷۶) و برچر و بگواتی^۸ (۱۹۸۱) اشاره کرد که به ترتیب آثار رفاهی ترجیحات را در اتحادیه گمرکی و بازار مشترک مورد بررسی قرار دارند. کوپر و ماسل^۹ (a و b) (۱۹۶۵)، جانسون^{۱۰} (۱۹۶۵) و بگواتی^{۱۱} (۱۹۶۸)، در پاسخ به این پرسش که آیا کشورهای در حال توسعه با اعطای ترجیحات تعرفه‌ای در تجارت میان خود می‌توانند هزینه‌های استراتژی جایگزینی واردات را تقلیل دهند یا خیر، با استناد به صرفه‌های حاصل از مقیاس، نتیجه گرفتند تقلیل هزینه‌های استراتژی جایگزینی واردات امکان‌پذیر است.

نظریه‌های پویای PTA در تبیین نسبت میان ترتیبات تجاری منطقه‌ای در قالب PTA با آزادسازی‌ها در قالب مذاکرات تجاری چندجانبه^{۱۲} پدید آمدند. بسته به اینکه مسیر زمانی کاهش موانع تجاری در قالب مذاکرات تجاری چندجانبه را به طور کلی از مسیر PTA جدا در نظر بگیریم و یا این دو مسیر را مؤثر بر هم بدانیم، بلوکهای تجاری مربوط به همگرایی‌های منطقه‌ای ممکن است بلوکهای تجاری سازنده^{۱۳} و یا بلوکهای بازدارنده^{۱۴} برای چندجانبه‌گرایی باشند. در این ارتباط می‌توان به مطالعات بالدوین^{۱۵} (۱۹۹۳)،

1. Panagariya (1996).

2. Yeats (1996).

3. Wei and Frankel (1997).

4. Grossman and Helpman (1995).

5. Krishna.

۶. برای آگاهی از جزئیات استدلال‌هایی که اخیراً در تایید وجود اثر انحراف تجارت صورت گرفته و به دو مورد

آن در متن اشاره شده بنگرید به: بگواتی، گرینوی و پاناگاریا- (۱۹۹۸).

7. Kemp and Wan (1976).

8. Brecher and Bhagwati Approach.

9. Cooper and Massell (1965).

10. Johnson (1965).

11. Bhagwati (1968).

12. Multilateral Trade Negotiations.

13. Building Blocs.

14. Stumbling Blocs.

15. Baldwin (1993).

کریشنا^۱ (۱۹۹۵) و لوی^۲ (۱۹۹۴) اشاره کرد.

۲. پیشینه تحقیق

در تحلیل آثار آزادسازی تجاری و یا کاهش تعرفه‌های گمرکی در قالب امضای موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی یا آزاد، در ادبیات اقتصادی از روشهای مختلفی بهره گرفته شده است که ذیلاً به اختصار به مطالعات انجام شده در قالب هر یک از مدل‌های مذکور اشاره می‌کنیم.

۲-۱. مدل جاذبه تجاری

نخستین بار تین برگن (۱۹۶۲) و پویهونن (۱۹۶۳) این مدل را در تجارت بین‌الملل به کار گرفتند. اگرچه ایراداتی بر این مدل گرفته شده است، از جمله بر مبانی نظری آن، لیکن این مدل در سالهای اخیر مجدداً احیا شده است. در مدل‌های جاذبه تجاری، تجارت دو جانبه را به عنوان تابعی از درآمد، جمعیت، فاصله جغرافیایی و نیز عضویت شرکای تجاری در یک ترتیب تجاری منطقه‌ای تعریف می‌نمایند.

فرانکل (۱۹۹۷)^۳ با استفاده از چندین مدل جاذبه تجاری سعی در پاسخ به این پرسش دارد که آیا موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی به افزایش تجارت میان کشورهای عضو کمک کرده اند یا خیر. وی همچنین در مطالعه خود به این پرسش هم پرداخته است که آیا PTA ها انحراف تجارت قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌نمایند یا خیر؟ مطالعات واماکیدیس (۱۹۹۹)^۴ نیز از معدود مطالعات این حوزه است که به این پرسش پرداخته است که آیا یک اقتصاد بسته باید تجارت خارجی خود را به روی همه کشورهای بگشاید یا خود را محدود به گشودن تجارت بر روی کشورهای مشارکت‌کننده در ترتیبات تجاری منطقه‌ای بنماید. فرانسوا و راینارت (۱۹۹۷)^۵ کاربست‌های این رویکرد را در حوزه سیاست تجاری به

1. Krishna.
2. Levy (1994).
3. Frankel(1997).
4. Vamakidis (1999).
5. Francois and Reinert (1997).

تفصیل بحث کرده‌اند.

۲-۲. مدل‌های تعادل جزئی

در مدل‌های تعادل جزئی معمولاً بدنبال بررسی آثار ناشی از آزادسازی در بخش‌های بخصوص هستیم و در این راستا از سناریو سازی استفاده می‌نماییم. در این مدل‌ها پس از تخمین ساختار اقتصاد در یک زیربخش، تغییرات سیاستی را در قالب سناریو در مدل شبیه‌سازی می‌نمایند. در این زمینه می‌توان به مطالعه کمیسیون تجارت بین‌الملل ایالات متحده^۱ اشاره کرد. در این مطالعه آثار حذف محدودیتهای تجاری در سه بخش^۲ از بخش‌های کشاورزی بر رفاه مصرف‌کنندگان برابر ۵/۲ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ برآورد گردید. همچنین هاف باوئر (۱۹۹۶)^۳ در قالب یک مدل تعادل جزئی به بررسی تاثیر حمایتها در اقتصاد آمریکا پرداخت و به این نتیجه رسید که حمایت‌های این کشور هزینه‌ای بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار را در سال ۱۹۹۰ متوجه مصرف‌کنندگان نموده است که این مقدار برابر ۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در آن سال بوده است. از دیگر یافته‌های این تحقیق آن بود که حذف کامل تعرفه‌ها در ۲۱ بخش که از تعرفه‌های بالایی برخوردار بودند منجر به از دست رفتن حدود ۱۹۰ هزار فرصت شغلی با مهارت پایین می‌گردید.

از دیگر مطالعات تعادل جزئی ایستا که به ویژه «ارتباط با برآورد آثار ایجاد و انحراف تجارت موافقت‌نامه‌های تجاری حائز اهمیت ویژه‌ای است، مطالعاتی است که در قالب مدل شبیه‌سازی اسمارت (SMART) انجام پذیرفته‌اند. برآوردهای شبیه‌سازی اسمارت بطور مستقیم متأثر از سطح جاری تجارت، میزان کاهش تعرفه‌ها و کشش تقاضای واردات و جانشینی واردات است. کل آثار ناشی از ایجاد موافقت‌نامه، از مجموع دو اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت محاسبه می‌گردد. مدل شبیه‌سازی اسمارت توسط برخی از کشورها در مذاکرات تجاری به کار رفته و دارای مزیت‌های مختلفی است. گذشته از سهولت دسترسی به آمار و اطلاعات لازم، از جمله مزایای این مدل آن است که در

1. USITC (2002).

۲. این بخشها عبارت بودند از: بادام زمینی، ماهی تن کنسرو شده و گوشت بره.

3. Haufbauer (1996).

موافقت‌نامه‌ها یی که براساس رویکرد لیست مثبت باشد، ارزیابی اثرات هر لیست را می‌تواند به سرعت انجام داده و جهت توازن امتیازات که یکی از ارکان موافقت‌نامه‌های تجاری است، حذف و یا اضافه نمودن کالا یا کالاهایی را به لیست امتیازات جهت ایجاد توازن امتیازات پیشنهاد نماید.

مدل اسمارت می‌تواند تصویر آشکاری از آنچه مذاکره‌کنندگان در مرحله مذاکره احتیاج دارند به ویژه در مورد بخش‌های خاصی از اقتصاد که در مذاکرات مفیدتر باشند، در اختیار مذاکره‌کننده قرار دهد. در این روش اثر تغییر سطوح تعرفه در سناریوهای مختلف، در الگوی تجارت کشورهای عضو هر موافقت‌نامه تجاری در سطح کالایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مطالعات متعددی در ایران با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت انجام شده است، از جمله برای ارزیابی آثار ایجاد و انحراف تجارت موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC) و نیز موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو D-8 می‌توان به مطالعات انجام شده توسط ثاقب (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) اشاره نمود. در زمینه موافقت‌نامه ترجیحات تجاری دوجانبه نیز، مطالعه ثاقب، صادقی یارنندی (۱۳۸۵) از جمله مطالعات قابل ذکر در این ارتباط هستند.

۳-۲. مدل‌های تعادل عمومی

استفاده از مدل‌های تعادل عمومی نیز متضمن سناریو سازی است و از این جهت مشابهت با مدل‌های تعادل جزئی دارد. به عنوان نمونه‌ای از این روش می‌توان به مطالعه کونان و هوکمن (۱۹۹۸)^۱ اشاره کرد که در آن از یک مدل تعادل عمومی رقابتی با بازده به مقیاس ثابت برای ارزیابی میزان عایدات احتمالی موافقت‌نامه تجارت ترجیحی میان مصر و اتحادیه اروپا، استفاده کردند. در یک مدل تعادل عمومی علاوه بر آنکه تعاملات بخش‌های مختلف اقتصادی مدلسازی می‌شود ممکن است روابط تجاری کشور با دیگر کشورهای جهان نیز مدلسازی شود و آثار آزادسازی را در ارتباط متقابل با دیگر کشورها نیز تحلیل

1. Konan and Hoekman(1996).

نماید. مدل GTAP از این دسته است که کاربردهای فراوانی از آن برای تحلیلهای تجاری و برای کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. از دیگر مطالعات در قالب مدل تعادل عمومی می توان به موارد زیر اشاره کرد: بودوی و تردنیک (۱۹۷۸)^۱، دملو و رولاند هولست (۱۹۹۴)^۲، دملو و تار (۱۹۹۲)^۳، هرتل (۱۹۹۷)^۴، یانگ و همکاران (۱۹۹۷)^۵، و یونگ و هاف (۱۹۹۷)^۶.

در حوزه مطالعات داخلی نیز که با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه صورت پذیرفته اند می توان به مطالعه مجاور حسینی (۱۳۸۱) و ذوالجناحی اسکویی (۱۳۸۳) اشاره کرد.

۴-۲. رویکرد پیشینی مایکلی

پاناگاریا (۲۰۰۰)، به مشکلاتی که در ارتباط با هر یک از رویکردها و روش های گفته شده وجود دارد، اشاره کرده است. برای مثال در رابطه با روش تعادل عمومی قابل محاسبه، ضمن آنکه این روش ها قدرتمندتر از روشهای دیگر است، لیکن از آنجا که متکی بر داخل کردن برخی ضرایب و ویژگی های رفتاری در مدل است، امکان دستکاری و ناظر به نتیجه خاص کردن در آن وجود دارد.

در مورد روش های پسینی^۷ نیز باید گفت این روشها پس از امضا و اجرایی شدن موافقتنامه های تجارت ترجیحی و یا آزاد قابل کاربست است و قبل از وارد شدن در موافقتنامه نمی توان با اتکای به آنها توصیه به ورود یا اجتناب کرد و بدین اعتبار نمی تواند به پرسشها و چالشهای فعلی حوزه تجارت خارجی پاسخ دهد. ثانیاً، در مدل های جاذبه نیز فاصله جغرافیایی به عنوان یک متغیر توضیحی مورد استفاده قرار می گیرد که انتظار داریم تاثیر منفی بر تجارت دو جانبه داشته باشد حال آنکه بسیاری از یافته های تجربی حاکی از آن است که کشورهایی با فاصله جغرافیایی بالا توانسته اند سطح تجارت بالایی را تجربه

-
1. Boadway and Treddenick(1978).
 2. De Melo and Ronald-Holst(1994).
 3. De Melo and Tarr(1992).
 4. Hertel(1997).
 5. Yang et al.(1997).
 6. Young and Huff(1997).
 7. ex-post.

نمایند.

طی سالهای اخیر مایکلی (۲۰۰۱ و ۱۹۹۶) رویکردی را ارائه نموده است که با استفاده از آن می‌توان به صورت پیشینی^۱ به ارزیابی امکان بالقوه تأثیرات ایجاد و انحراف تجارت بر اثر وارد شدن در یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با طرف دیگر، اقدام کرد. در قالب این رویکرد، می‌توان امکان و احتمال مطلوبیت یا عدم مطلوبیت موافقت‌نامه با یک کشور و نیز امکان بی‌تاثیری (مثبت یا منفی) و یا تاثیرگذاری شدید (مثبت یا منفی) را نیز ارزیابی کرده و از این طریق گروهی از کشورها را به عنوان طرف‌های احتمالی ترجیحات تعرفه‌ای، از جهت میزان تاثیرگذاری ترجیح تعرفه‌ای رتبه بندی نمود. بدیهی است جهت محاسبه میزان تأثیرات و برآورد آثار ایجاد و انحراف تجارت و دیگر آثار، لازم به استفاده از روشهای تکمیلی است.

وی این رویکرد را برای بررسی موافقت‌نامه تجارت ترجیحی میان کشورهای امریکای لاتین به کار بسته است. با توجه به اینکه نیاز دستگاه سیاستگذاری بخش بازرگانی کشور، ارزیابی آثار احتمالی موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با گروهی از کشورهایی است که خواستار عقد موافقت‌نامه مذکور با ایران هستند، به نظر می‌رسد این روش ابزار مناسبی برای سنجش و پاسخگویی به بخشی از پرسشها در بخش بازرگانی در زمینه چگونگی انتخاب طرفهای موافقت‌نامه است.

در بخش بعدی به ارایه متدولوژی مایکلی خواهیم پرداخت و سپس آن را برای مقایسه PTA بین ایران و سه کشور سوریه، ترکیه و اندونزی به صورت دوجانبه به کار خواهیم بست.

۳. معرفی متدولوژی انجام کار

۳-۱. فروض و ملاحظات

این روش مبتنی بر فروض چندی است که توجه به آنها بایسته است:

۱- این مطالعه صرفاً ابعاد اقتصادی آزادسازی و ورود به موافقت‌نامه‌های تجارت

1. ex-ante.

ترجیحی PTA را مدنظر قرار می‌دهد و نسبت به منافع و مضار سیاسی آنها ساکت است.

۲- از میان ابعاد و ملاحظات اقتصادی نیز، توجه خود را معطوف و محدود به تأثیرات آزادسازی یاد شده بر جریان‌های تجاری^۱ خواهیم نمود.

۳- در بررسی حاضر موضوع موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی در کانون توجه قرار دارد و نمی‌توان نتایج آن را به تشکیل اتحادیه‌های گمرکی که مستلزم اعمال تعرفه‌های مشترک خارجی^۲ بر واردات از کشورهای خارج از اتحادیه گمرکی است، تعمیم داد.

۴- اگر چه ما از شاخص‌های کمی برای انجام مطالعه استفاده می‌نماییم، لیکن در نهایت به یک داوری کیفی درباره اینکه آیا یک معاهده تجاری بخصوص مهم است یا خیر، دست خواهیم یافت.

۵- این مقاله کاربردی است از روش ارائه شده توسط مایکلی^۳، برای بررسی و نتیجه‌گیری درباره مؤثر بودن یا نبودن یک موافقت‌نامه بر جریان تجاری فیما بین.

۶- در طول مقاله به طرفین موافقت‌نامه، کشور مبدأ و کشور طرف موافقت‌نامه اطلاق شده است. کشور مبدأ کشوری است که اساساً بررسی مفید بودن موافقت‌نامه برای آن کشور انجام می‌شود. در گزارش حاضر که در پی کشف مفید بودن یا نبودن موافقت‌نامه برای ایران هستیم، ایران به عنوان «کشور مبدأ» شناخته می‌شود. طرف مقابل ایران یا شریک تجاری ایران در موافقت‌نامه نیز، «کشور طرف موافقت‌نامه» خوانده می‌شود.

تمام تلاش ما در این بررسی آن است که به یک داوری پیشینی (ex-ante) درباره اینکه یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی یا آزاد اثرگذار است یا خیر دست یابیم. لیکن هیچ تلاشی برای آنکه تخمین‌های کمی از میزان تغییرات رفاهی حاصل از موافقت‌نامه ارائه کنیم، نخواهیم کرد.

۲-۳. تأثیرات موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی

یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و یا تجارت آزاد که بین دو کشور - و یا چند کشور

1. Trade Flows.
2. Common External Tariff.
3. Michaely.

- منعقد می‌گردد، می‌تواند مهم^۱ و تأثیرگذار و یا غیر مهم و کم اثر باشد. هرگاه که چنین موافقت‌نامه ای مهم باشد، ممکن است بدلیل منافع رفاهی باشد که از ناحیه آن متوجه اقتصاد می‌شود، و یا به دلیل ضررهای رفاهی آن بر اقتصاد باشد. پیرو سنتی که توسط واینر (۱۹۵۰)^۲ و مید (۱۹۵۵)^۳ بنیان گذاشته شد، تأثیر کلی یک موافقت‌نامه ترجیحی بر جریان تجارت و از آن طریق، بر رفاه را می‌توان به سه اثر جدا از هم تفکیک کرد که عبارتند از: انحراف تجارت^۴، ایجاد تجارت^۵ و اثر مصرفی^۶.

اگر هر یک از تأثیرات گفته شده، تأثیرات بزرگ و قابل توجهی باشند، آنگاه می‌توان گفت که موافقت‌نامه مربوطه نیز مهم و تأثیر گذار است. از میان آثار ذکر شده، انحراف تجارت منجر به کاهش رفاه می‌گردد و دو اثر دیگر، اثر مثبت بر رفاه برجا می‌گذارند. در یک موافقت‌نامه ترجیحی، هر سه اثر یاد شده به طور همزمان در کارند. اما نتیجه نهایی یک موافقت‌نامه موقوف به برآیند آثار است.

به طور خاص، بر مبنای دانسته‌های قبلی می‌دانیم که احتمال منافع رفاهی یک موافقت‌نامه^۷ بیش از مضار آن خواهد بود، در صورتی که:

- ۱- سطح تعرفه‌های قبل از موافقت‌نامه در کشور مبدا بالاتر باشد.
- ۲- هر قدر که سطح تعرفه‌های کشور مقابل (شریک تجاری) بالا باشد.
- ۳- هر قدر که اندازه واردات از کشورهای غیر عضو موافقت‌نامه کمتر باشد.
- ۴- از مجموع واردات یک کشور، قبل از ورود به موافقت‌نامه، هر قدر که نسبت واردات از کشور مقابل (شریک تجاری) بیشتر باشد، احتمال منافع رفاهی موافقت‌نامه هم

1. Relevant.
2. Viner, Jacob (1950).
3. Mead.
4. Trade Diversion.
5. Trade Creation.
6. Consumption Effect.

۷. لازم به توضیح است که مولفه‌های هشتمانه فوق، ناظر بر احتمال منافع رفاهی خود موافقت‌نامه است، بدون آنکه این منافع را در رابطه با طرف خاصی از موافقت‌نامه در نظر داشته باشیم مطرح شده‌اند. بدیهی است چنانچه منافع طرف‌ها را در نظر داشته باشیم، ممکن است تناقض میان مولفه‌ها به چشم آید. مثلاً ممکن است منافع یکی به معنی ضررهای رفاهی دیگری باشد.

بیشتر می شود.

- ۵- هر قدر که قیمت های نسبی در تجارت کشور مبدا با کشور مقابل (شریک تجاری) به قیمت های غالب در دیگر کشورهای جهان نزدیک تر باشد.
- ۶- هر قدر که «اندازه اقتصاد» طرف موافقت نامه بزرگ تر باشد.
- ۷- هر چه ساختار اقتصادی طرف های موافقت نامه متنوع تر باشد.
- ۸- هر قدر که طرف موافقت نامه، اقتصاد کمتر منحصر به فرد و خاص باشد^۱ در ارتباط با ملاحظات فوق الذکر، توجه به نکات زیر الزامی است:
- الف) در بررسی شاخص تعرفه ها در کشور مبدا قبل از پیوستن به موافقتنامه، هم میانگین حسابی تعرفه ها و هم میانگین موزون تعرفه ها را می توان مورد استفاده قرار داد. به علاوه، میانگین حسابی و میانگین موزون تعرفه کالاهایی که از کشور مبدا از کشورهای طرف موافقتنامه وارد می کند نیز باید مورد محاسبه قرار گیرد. در این ارتباط برای محاسبه میانگین موزون تعرفه برای کالاهای وارداتی از رابطه زیر استفاده می شود:

$$T_{ik} = \sum_t t_j^i m_{jk}^i \quad (1)$$

که در آن،

- T_{jk} = میانگین سطح تعرفه های اعمال شده توسط کشور j (کشور مبدا) بر واردات از کشور k (طرف موافقت نامه و یا شریک تجاری) می باشد.
- t_j^i = نرخ تعرفه اعمال شده در کشور j بر واردات کالای i؛ و
- m_{jk}^i = سهم کالای i در کل واردات کشور j از کشور k.
- ب) در بررسی شاخص تعرفه ها در کشور مبدا قبل از پیوستن به موافقتنامه، پراکندگی تعرفه ای نیز باید مورد محاسبه قرار گیرد.

- ج) در بررسی شاخص تعرفه ها در کشور طرف موافقتنامه نیز، لازم است علاوه بر سنجش پراکندگی تعرفه ها، میانگین های حسابی و موزون را در طرف موافقتنامه به ترتیبی که برای کشور مبدا گفته شد، محاسبه نماییم. جهت محاسبه میانگین تعرفه اعمال شده بر

۱. در ارتباط با استدلالات مربوط به هر یک از موارد هشتگانه فوق، بنگرید به: Michaely (1996,2000)

صادرات از کشور مبدا به کشور طرف موافقتنامه از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$T_{kj} = \sum_t t_k^i m_{kj}^i \quad (۲)$$

که در آن،

T_{kj} = میانگین سطح تعرفه‌های اعمال شده توسط کشور K (طرف موافقتنامه) بر واردات از کشور j (کشور مبدا)

t_k^i = نرخ تعرفه اعمال شده در کشور k بر واردات کالای i؛ و

m_{kj}^i = سهم کالای i در کل واردات کشور k از کشور j، می‌باشند.

د) بزرگی اقتصاد کشور طرف موافقتنامه همواره به عنوان یکی از دلایل و علایم موفقیت‌آمیز بودن یک موافقتنامه تجاری در نظر گرفته می‌شده و کمتر مناقشه‌ای نیز در مورد آن صورت می‌گرفته است.^۱ استدلالی که در این ارتباط وجود داشته آن بوده که با بزرگی اقتصاد طرف موافقتنامه، شباهت ساختار اقتصاد آن با ساختار اقتصاد "دیگر کشورها" بیشتر خواهد شد و از اینرو قیمت‌های نسبی در بخش تجارتي آن با قیمت‌های نسبی در "دیگر کشورها" شباهت خواهد داشت. نتیجه آنکه، انحراف تجارتي که پس از اجرای موافقتنامه به سوی کشور طرف موافقتنامه اتفاق می‌افتد، با هزینه کمتری صورت می‌گیرد.

ه) تنوع ساختار اقتصادی اساساً تابعی از دو عامل است: اندازه اقتصاد و سطح توسعه آن. هر قدر که یک اقتصاد تنوع بیشتری داشته باشد، کمتر می‌توان آن را یک اقتصاد خاص و منحصر بفرد دانست و یا به عبارتی به احتمال بیشتری این اقتصاد به اقتصاد دیگر کشورها شباهت خواهد داشت و از این جهت، امضای یک موافقتنامه به آن نویدبخش‌تر خواهد بود.

۱. البته نقدهایی بر این استدلال شده است. برای مراجعه به جزئیات نقدهای یاد شده، بنگرید به:

- a) Bhagwati (1993)
- b) Panagariya (1995)
- c) Panagariya (1996)
- d) Bhagwati, J. and A. Panagariya, (1996a)
- e) Bhagwati, J. and A. Panagariya (1996b)

۳-۳. شاخص‌های ارزیابی^۱

۳-۳-۱. شاخص شدت جریان تجاری

$$I_{jk} = \frac{M_{jk}}{M_j} \bigg/ \frac{X_k}{X_w} \quad (۳)$$

که در آن،

z = کشور مبدا

k = کشور طرف موافقت‌نامه

I_{jk} = نسبت شدت تدارک و تأمین واردات کشور مبدا توسط کشور طرف موافقت‌نامه

M_{jk} = واردات کشور z از کشور k

M_j = کل واردات کشور z

Xk = کل صادرات کشور k

Xw = کل صادرات جهانی

اگر مقدار شاخص فوق برابر واحد باشد، به معنی خنثایی کامل موافقت‌نامه است. در این صورت سهم کشور طرف موافقت‌نامه در تهیه و تدارک واردات کشور میزبان برابر است با سهم کشور طرف موافقت‌نامه در صادرات جهانی (و از این طریق در واردات جهانی).

اگر مقدار شاخص بالاتر از واحد باشد به معنی آن است که نتایج موافقت‌نامه به نفع کشور طرف موافقت‌نامه است و هر قدر که نفع کشور یاد شده بیشتر باشد، این عدد بزرگتر خواهد شد.

۳-۳-۲. شاخص‌های سازگاری

شاخص‌های سازگاری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که چشم‌انداز گسترش تجارت بین

۱. شاخص‌های معرفی شده در این بخش و استدلال‌های مربوط به آنها همه برگرفته از (Michaely 1996, 2004)،

می‌باشند.

دو طرف موافقت‌نامه را براساس ساختارهای کالایی کشورهای درگیر موافقت‌نامه، بررسی و تحلیل نمایند. در این زمینه سه شاخص ارائه می‌شود:

۱-۲-۳- شاخص سازگاری جریان تجاری دوطرف

$$Sm_j x_k = 1 - \frac{\sum_i |m_{ij} - x_{ik}|}{2} \quad (۴)$$

$$Sx_j m_k = 1 - \frac{\sum_i |x_{ij} - m_{ik}|}{2} \quad (۵)$$

که در آن،

$Sm_j x_k$ = شاخص سازگاری واردات کشور z با صادرات کشور k (طرف موافقت‌نامه یا شریک تجاری)

$Sx_j m_k$ = شاخص سازگاری صادرات کشور z با واردات کشور k

x_{ij} = سهم کالای i در کل صادرات کشور z.

m_{ij} = سهم کالای i در کل واردات کشور z.

x_{ik} = سهم کالای i در کل صادرات کشور k.

m_{ik} = سهم کالای i در کل واردات کشور k.

این شاخص می‌تواند مقادیر عددی صفر تا یک را اختیار نماید. در صورتی که جریان‌ات تجاری دو کشور طرف موافقت‌نامه، هیچ شباهتی با هم نداشته باشند، مقدار شاخص برابر صفر خواهد شد. این بدان معنی است که هیچ یک از طرفین، در واردات خود، هیچ یک از کالاهایی را که توسط طرف مقابل صادر می‌گردد وارد نکرده‌اند. از سوی دیگر، مقدار شاخص زمانی برابر با واحد خواهد بود که ساختارهای جریان تجاری هر دو طرف با هم یکسان باشند. یعنی ساختار صادرات یک کشور دقیقاً منطبق بر ساختار واردات کشور دیگر است.

۲-۳-۳- شاخص سازگاری بین تولید کشور مبدا و صادرات کشور طرف موافقت‌نامه

این شاخص به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Cxjqk = 1 - \frac{\sum_i |x_{ij} - q_{ik}|}{2} \quad (۶)$$

که در آن،

$Cxjqk$ = شاخص سازگاری صادرات کشور z با تولید کشور k

x_{ij} = سهم کالای i در کل صادرات کشور z

q_{ik} = سهم کالای i در کل تولید کالاهای قابل مبادله کشور k .

این شاخص نیز هر مقداری بین صفر و یک را می‌تواند اختیار نماید. صفر بودن آن به معنی آن است که صادرات یک کشور، با هیچ یک از اقلام تولیدی کشور دیگر انطباق و سازگاری ندارد. واحد بودن شاخص مزبور نیز به معنی آن است که ساختار صادرات یک کشور دقیقاً منطبق بر ساختار تولید دیگری است.

۳-۲-۳- شاخص سازگاری ساختارهای صادرات طرفین موافقت‌نامه

شاخص سازگاری ساختارهای صادرات به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Txjxk = 1 - \frac{\sum_i |x_{ij} - x_{ik}|}{2} \quad (۷)$$

که در آن،

$Txjxk$ = شاخص سازگاری صادرات کشور z با صادرات کشور k ،

x_{ij} = سهم کالای i در کل صادرات کشور z ،

x_{ik} = سهم کالای i در کل صادرات کشور k است.

این شاخص نیز همچون شاخصهای پیشین، ارقامی بین صفر تا یک را می‌تواند اختیار نماید. در صورتی که کالایی وجود نداشته باشد که هر دو کشور در صادرات آن اشتراک داشته باشند، مقدار این شاخص برابر صفر و در حالتی که ساختارهای صادراتی دو کشور کاملاً با یکدیگر منطبق باشد، مقدار شاخص برابر واحد خواهد بود.

۴. محاسبه و مقایسه شاخص‌های مورد بررسی

با توجه به آنچه در بخش قبلی از شاخص‌های بررسی پتانسیل‌های ایجاد و انحراف تجارت به تفصیل گفته شد، در این بخش به محاسبه و مقایسه شاخص‌های یاد شده در کشورهای مورد بررسی می‌پردازیم.

۴-۱. میانگین تعرفه‌ای و پراکندگی تعرفه‌ای کشور مبدأ و طرفهای موافقت‌نامه

جدول شماره (۱)، اطلاعات مربوط به میانگین‌های ساده تعرفه‌ای ایران به عنوان کشور مبدأ و سه کشور سوریه، ترکیه و اندونزی که هر یک طی موافقت‌نامه دوجانبه جداگانه‌ای می‌تواند طرف موافقت‌نامه لقب بگیرد، را ارائه کرده است.

جدول ۱- میانگین حسابی تعرفه‌ها برای ایران و طرفهای موافقت‌نامه

طرفهای موافقت‌نامه			کشور مبدأ* (ایران)	
اندونزی	ترکیه	سوریه**		
۵/۴	۴	۱۴/۵	۲۶/۱۵	میانگین حسابی* کل تعرفه‌ها
۹/۹۷	۵۳/۱۲	-----	۲۸/۶۸	میانگین تعرفه‌های* کشاورزی
۵/۰۶	۱/۲۱	-----	۲۵/۹۷	میانگین تعرفه‌های* صنعتی
۰/۱۲۴	۰/۲۹۹	۱۷/۵۵	۲۶/۷	انحراف معیار***

* میانگین‌های مربوط به کشورهای ایران، ترکیه و اندونزی از بانک اطلاعاتی macmap به دست آمده‌اند. اطلاعات تعرفه‌ای این کشورها مربوط به سال ۲۰۰۷ و با میانگین‌گیری از تعرفه‌های کشورهای در سطح کدهای ۶ رقمی HS به دست آمده‌اند.

** میانگین مربوط به سوریه براساس اطلاعات تعرفه‌ای این کشور در نوامبر ۲۰۰۶ محاسبه شده است.

*** انحراف معیار براساس جدول تعرفه‌های کشورهای در حد کدهای ملی، محاسبه شده است.

جدول شماره (۲) نیز میانگین‌های ساده و موزون تعرفه‌ای ایران با طرفهای تجاری را در اقلامی که بین دو کشور مراوده تجاری وجود داشته است، نشان می‌دهد. لازم به ذکر است میانگین موزون تعرفه‌ها در تجارت بین ایران با هر یک از طرفهای موافقت‌نامه

براساس روابط شماره (۱) و (۲) محاسبه شده‌اند.

جدول ۲- میانگین حسابی و موزون واردات ایران از طرفهای موافقتنامه و واردات طرفها از ایران در اقلام مورد مرادده تجاری

میانگین موزون (درصد)	میانگین حسابی (درصد)	رابطه تجاری
۱۰/۵	۲۴/۸	واردات ایران از سوریه
۲۷/۹۹	۳۴/۳۸	واردات ایران از ترکیه
۱۶/۲۷	۲۹/۴۵	واردات ایران از اندونزی
۱۹	۱۲/۵۶	واردات سوریه از ایران
۴/۰۰۹	۵/۱۱	واردات ترکیه از ایران
۲/۰۴	۳/۷۹	واردات اندونزی از ایران

منبع: محاسبات تحقیق

براساس اطلاعات و نتایج ارائه شده در جداول (۱) و (۲) می‌توان نتایج زیر را استنباط

نمود:

میانگین تعرفه‌های ایران به عنوان کشور مبدا نسبت به میانگین تعرفه‌های کشورهای طرف (و همینطور عمده کشورهای جهان)^۱ بالاست و از اینرو امکان مهم و موثر بودن عقد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی را تقویت می‌نماید. در میان کشورهای مقابل نیز، سوریه از میانگین تعرفه‌های بالایی برخوردار است که آن هم بر امکان پیش گفته می‌افزاید. از حیث پراکندگی تعرفه‌ها - که شاخص انحراف معیار را ملاک قرار داده‌ایم^۲ - نیز پراکندگی تعرفه‌ای در تعرفه‌های ایران و سوریه بالاست، لیکن در دو کشور ترکیه و اندونزی این شاخص رقم بسیار کوچکی را نشان می‌دهد.

۱. برای ملاحظه میانگین‌های تعرفه‌ای کشورهای جهان بنگرید به پیوست‌های:

WTO, World Trade Report (2005).

۲. برای نشان دادن پراکندگی تعرفه‌ای، می‌توان به مقایسه طبقات ساختار تعرفه‌های کشورها نیز پرداخت. در این مقاله

به جهت رعایت اختصار از مقایسه طبقات تعرفه‌ای کشورها صرف‌نظر می‌شود.

جدول ۳- تصویر تجارت ایران با جهان و با کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۰۷

کل واردات ایران	۴۹/۲ میلیارد دلار	کل صادرات ایران به جهان	با نفت ۷۵/۵۳۷ میلیارد دلار بدون نفت ۱۳/۰۷۹ میلیارد دلار
واردات ایران از سوریه	۹/۲۷ میلیون دلار	صادرات ایران به سوریه	۱۷۵/۳۵ میلیون دلار
سهم واردات ایران از سوریه به کل واردات	۰/۱۸۸ درصد	سهم صادرات ایران به سوریه با نفت	۰/۲۳۲ درصد
سهم وارداتی سوریه از ایران	۳/۵۸ درصد	سهم صادرات ایران به سوریه بدون نفت	۰/۱۳۴ درصد
واردات ایران از ترکیه	۴۵۲/۷ میلیون دلار	صادرات ایران به ترکیه	۲۱۶/۹ میلیون دلار
سهم واردات ایران از ترکیه	۰/۹۲۰ درصد	سهم صادرات ایران به ترکیه بدون نفت	با نفت ۰/۲۸۷ درصد
سهم واردات ترکیه از ایران	۰/۱۵۶ درصد	سهم صادرات ایران به ترکیه با نفت	۱/۶۶ درصد
واردات ایران از اندونزی	۳۰۱/۴۶ میلیون دلار	صادرات ایران به اندونزی	۹۱/۴۴ میلیون دلار
سهم واردات ایران از اندونزی	۰/۶۱۳ درصد	سهم صادرات ایران به اندونزی با نفت	۰/۱۲۱ درصد
سهم واردات اندونزی از ایران	۰/۱۱۴ درصد	سهم صادرات ایران به اندونزی بدون نفت	۰/۷۰۰ درصد

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس تجارت جهانی (WTO) و بانک اطلاعاتی macmap

۲-۴. سهم تجارت میان ایران و کشورهای طرف موافقت‌نامه

در بخش ۲-۳ گفته شد که فارغ از اینکه مقدار مطلق تجارت یک کشور چه میزان باشد، هر قدر که سهم واردات از طرف موافقت‌نامه بیشتر باشد، احتمال بروز «انحراف تجارت» را تقلیل می‌دهد. به همین ترتیب هر چه سهم ایران از کل صادرات انجام شده به کشور طرف موافقت‌نامه بیشتر باشد، انعقاد موافقت‌نامه با آن کشور مفیدتر خواهد بود، چرا که با کاهش تعرفه‌ها و یا حذف تعرفه‌ها، رابطه مبادله به میزان بیشتری بهبود پیدا می‌کند.^۱ جدول (۳) وضعیت روابط تجاری بین ایران و سه کشور مورد نظر را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود سهم واردات ایران از هر سه کشور طرف موافقت‌نامه مقدار بسیار

۱. با بروز آثار ایجاد و انحراف تجارت ممکن است اثر دیگری که در ادبیات تجارت به اثر رابطه مبادله موسوم است، پدید آید. بدین صورت که چنانچه صادرات کشور مبدا به طرف موافقت‌نامه از سهم بالایی برخوردار باشد، پس از اعطای ترجیحات تعرفه ای یا حذف تعرفه‌ها، صادرات روند شدیدی خواهد یافت که باعث می‌شود صادرات همان کالا به دیگر کشورها (غیر طرف موافقت‌نامه) کاهش و طبعاً با قیمت بالاتری صورت گیرد که در اینصورت به بهبود رابطه مبادله می‌انجامد.

اندکی است و از این جهت نمی توان آن را مانعی از بروز انحراف تجارت در نظر گرفت. در زمینه سهم صادراتی ایران در بازارهای سه کشور نیز ملاحظه می شود همچنان این نسبت اندک است و بنابر این در صورت تقلیل تعرفه های کشورهای طرف بر واردات از ایران به صورت ترجیحی، امید آنکه تأثیر مثبت قابل اعتنایی بر رابطه مبادله برجا نهد نیز اندک است.

۳-۴. اندازه و تنوع اقتصادها

به عنوان یک قاعده تصمیم گیری می توان گفت هر قدر که درجه توسعه یافتگی یک اقتصاد بالاتر باشد، انتظار داریم درجه تنوع آن اقتصاد هم بیشتر باشد. در این ارتباط سطح تولید یا درآمد سرانه می تواند معیاری از توسعه یافتگی اقتصادی تلقی شود. همچنین، انتظار داریم علی الاصول اقتصادهایی از درجه تنوع بالاتری برخوردار باشند که بخش صنعت در آنها توسعه یافته تر باشد. بدین لحاظ، سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کشورها را به عنوان شاخص استفاده کرده ایم. جدول (۴) شاخصه های مرتبط با اندازه و تنوع اقتصادی را نشان می دهد.

جدول ۴ - شاخصه های تنوع اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه

کشور	تولید ناخالص داخلی به دلار (میلیارد دلار)	تولید ناخالص داخلی براساس PPP (میلیارد دلار)	سهم بخش های اقتصادی در صادرات (درصد) (سال ۲۰۰۷)		
			کشاورزی	سوخنها و مواد معدنی	صنعت
ایران	۲۲۲/۹	۵۹۲/۵	۳/۶	۸۸/۳	۸/۱
سوریه	۳۴/۹	۷۸/۹	۲۱/۰۴	۴۱/۵۳	۳۷/۳۸
ترکیه	۴۰۲/۷	۶۶۱/۷	۱۰/۱	۸	۸۱/۲
اندونزی	۳۶۴/۴۵	۹۲۱/۲۶	۱۷/۷	۳۸/۳	۴۲/۹

منبع: گزارشهای کشوری WTO.

اطلاعات مربوط به سهم بخش ها از صادرات در مورد سوریه از بانک اطلاعاتی Trademat بدست آمده است

۴-۴. شاخص های شدت جریان تجاری

جدول (۵)، نتایج محاسبه شاخص شدت جریان تجاری (مطابق رابطه شماره (۳)) بین ایران و کشورهای طرف را نشان می دهد. ملاحظه می شود که مقدار این شاخص برای

کشورهای سوریه و اندونزی کوچکتر از واحد است، بدین معنی که عملکرد صادرات این دو کشور به ایران ضعیف تر از عملکرد صادراتشان به جهان بوده است و از این جهت پس از تقلیل تعرفه‌ها در قالب PTA نیز انتظار نمی‌رود واردات ایران از این دو کشور چنان شدتی بیابد که آسیب به اقتصاد برساند. لیکن در مورد ترکیه مشاهده می‌شود که مقدار شاخص قدری فراتر از واحد است (حد خنثایی موافقت‌نامه) که متضمن منافع احتمالی بیشتری برای ترکیه در قالب PTA می‌باشد.

جدول ۵- شاخص شدت جریان تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه

کشور	شاخص شدت جریان تجاری*
سوریه	۰/۲۶
ترکیه	۱/۲۲
اندونزی	۰/۶۹۶

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس اطلاعات تجاری کشورها از بانک اطلاعاتی macmap و گزارشات WTO.

* محاسبه شاخص شدت جریان تجاری با احتساب تجارت نفتی است.

۴-۵. محاسبه شاخص‌های سازگاری

۴-۵-۱. سازگاری جریان‌های تجاری

جدول (۶) مقادیر محاسبه شده شاخص‌های $Sx_j m_k$ و $Sm_j x_k$ را نشان می‌دهد. در شاخص $Sm_j x_k$ سازگاری ساختار واردات ایران با صادرات طرفهای موافقت‌نامه آزمون می‌شود و در شاخص $Sx_j m_k$ نیز سازگاری صادرات ایران (به عنوان کشور مبدأ) با واردات طرفهای یادشده محاسبه می‌گردد.^۱ مقادیر محاسبه شده شاخصها، حاکی از آن است که جریان‌های تجاری ایران به ترتیب اولویت شباهت بیشتری با جریان‌های تجاری اندونزی، ترکیه و سوریه، به ترتیب، دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت:

۱. برای نشان دادن نتایج محاسبات از نمادهای زیر استفاده می‌نماییم:

برای ایران از اندیس IRN، برای سوریه از اندیس SYR، برای ترکیه از اندیس TUR و برای اندونزی از اندیس IND. همچنین در هر یک از شاخص‌ها، مثلاً شاخص سازگاری که با S نمایش داده می‌شود، اولین حرف، مثلاً m، مربوط به کشور مبدأ و دومین مربوط به طرف موافقت‌نامه است.

اولاً، از میان سه کشور مورد بررسی، الگوی واردات ایران شباهت بیشتری با الگوی صادرات اندونزی، سپس ترکیه و سپس سوریه دارد.

جدول ۶- شاخص سازگاری صادرات و واردات ایران با طرفهای موافقت‌نامه

سازگاری صادرات ایران با واردات طرفهای موافقت‌نامه		سازگاری واردات ایران با صادرات طرفهای موافقت‌نامه	
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۰/۰۱۰۷۲	$Sx_{IRN}m_{syr}$	۰/۰۶۸۳۹	$Sm_{IRN}x_{syr}$
۰/۰۶۰۲۳	$Sx_{IRN}m_{Tur}$	۰/۱۴۸۴۸	$Sm_{IRN}x_{Tur}$
۰/۲۰۴۸۷	$Sx_{IRN}m_{Ind}$	۰/۲۱۵۰۰	$Sm_{IRN}x_{Ind}$

منبع: محاسبات تحقیق^۱

ثانیاً، الگوی صادرات ایران نیز در میان سه کشور بررسی شده، بیشترین شباهت را به ترتیب با اندونزی، ترکیه و سوریه دارد.

به طور کلی شاخص S که ارتباط میان واردات یک طرف را با صادرات طرف دیگر می‌سنجد، شاخصی از امکان «انحراف تجارت» است. ماهیت این انحراف تجارت به این صورت است که واردات از کشور طرف موافقت‌نامه جایگزین واردات از کشور یا کشورهای «ثالث» (خارج از موافقت‌نامه) می‌گردد. چنانچه ساختار صادرات کشور یا کشورهای «ثالث» طرف تجارت به کشور مبدأ (که در واقع همان ساختار واردات کشور

۱. در ارتباط با محاسبات تحقیق ذکر سه نکته لازم است:

نخست آنکه، اطلاعات مربوط به صادرات و واردات کشورها، از بانک اطلاعاتی Macmap استخراج شده‌اند و اطلاعات همه کشورهای مورد مطالعه، براساس عملکرد تجاری سال ۲۰۰۶ می‌باشد. دوم آنکه، برای انجام محاسبات مطابق روابط معرفی شده (۴) و (۵)، از تفکیکی‌ترین (disaggregated) درجه اطلاعات استفاده شده است؛ بدین معنی که اطلاعات و آمار صادرات و واردات کشورها، در سطح HS شش رقمی تهیه و با هم تطبیق داده شده‌اند. فایل‌های محاسباتی که در محیط نرم‌افزار Excel انجام شده است، نزد نویسندگان موجود می‌باشد. سوم، با توجه به کثرت اقلام اطلاعات صادرات و واردات در سطح HS شش رقمی، تطبیق صادرات یک کشور با واردات دیگری در هر کد HS بسیار پرحجم و زمان‌بر بود. از اینرو با استفاده از امکان برنامه‌نویسی (VBA) در محیط اکسل، عملیات انجام تطبیق با صورت گرفت.

مبدأ است) شباهت بسیار زیادی به ساختار صادرات کشور طرف موافقت‌نامه داشته باشد، در این صورت پتانسیل جایگزین شدن صادرات کشورهای ثالث (به کشور مبدأ) با صادرات کشور طرف موافقت‌نامه - که دقیقاً انحراف مبدأ واردات کشور مبدأ است - بزرگتر خواهد بود. از سوی دیگر، چنانچه کشور طرف موافقت‌نامه هیچ کالایی مشابه آنچه کشورهای «ثالث» به کشور مبدأ صادر می‌نمایند، به آن کشور صادر نماید (درحالت قبل از انعقاد موافقت‌نامه)، هیچ امکانی برای انحراف تجارت میسر و متصور نخواهد بود.^۱ با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت مقادیر شاخص سازگاری واردات ایران با صادرات کشورهای طرف، پتانسیل انحراف واردات ایران از بقیه کشورهای جهان را به ترتیب به سوی اندونزی، ترکیه و سوریه نشان می‌دهد.

به یک اعتبار می‌توان گفت شاخص‌های سازگاری واردات و صادرات، نشان‌دهنده مجال گسترش تجارت، به دنبال امضای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی یا آزاد است. این شاخص در واقع شاخصی از میزان مهم بودن یک موافقت‌نامه نیز می‌تواند به شمار آید. لیکن نباید از این نکته غافل شد که تا بدانجا که به اطلاعات و نتایج حاصل از محاسبه این شاخص مربوط می‌شود، «اهمیت بالا» و یا «مجال فراوان گسترش تجارت» که از شاخص یادشده منتج می‌شود، ضرورتاً به معنای منافع بالای ناشی از موافقت‌نامه نیست. انحراف تجارت دربردارنده یک اثر منفی تولیدی است و یک اثر مثبت مصرفی. بنابراین درباره اینکه خالص اثر رفاهی ناشی از آن مثبت است یا منفی نمی‌توان اظهار نظر کرد. به عبارت دیگر، صرف این نتیجه که با محاسبه شاخص سازگاری صادرات و واردات معلوم شود گسترش تجارت بین دو طرف موافقت‌نامه پس از اجرایی شدن موافقت‌نامه پیش‌بینی می‌شود، نباید ضرورتاً به معنای الزام به عقد آن موافقت‌نامه در نظر گرفته شود و لازم است دیگر ابعاد مسأله نیز روشن گردد.

بنا به آنچه از ماهیت شاخص S گفته شد و با توجه به مقادیر محاسباتی به دست آمده شاخص مزبور، می‌توان نتیجه گرفت، تجارت ترجیحی با سوریه کمترین اثر انحراف تجارت را دارد ولی از سوی دیگر کمترین اثر را در مقایسه با دو کشور دیگر بر رونق

1. Michaely (1996), p.24-25.

تجارت میان ایران با کشورهای دیگر خواهد داشت. به جهت میزان تأثیرگذاری بر انحراف تجارت ایران به سمت طرفهای تجاری و نیز منحرف کردن صادرات ایران از «بقیه جهان» به سوی طرفهای سه گانه، می توان گفت موافقت نامه تجارت ترجیحی با اندونزی کارسازتر از بقیه است.

۲-۵-۴. شاخص سازگاری تولید و صادرات

برای سنجش سازگاری تولید ایران با صادرات هر یک از طرفهای موافقت نامه از رابطه (۶) استفاده می نمایم. با تغییر اندکی در رابطه (۶) می توان به شاخصی دست یافت که سازگاری تولید هر یک از کشورهای طرف را با صادرات ایران بسنجد. نکته مهمی که در ارتباط با محاسبه این شاخص وجود دارد آن است که باید سهم کالاهای مورد مبادله بین دو کشور را از کل تولید کالاهای مبادله شدنی^۱ به دست آورد.

به طور معمول، برای استخراج این سهم از مجموع ارزش افزوده بخشهای صنعت، معدن و کشاورزی به عنوان تولید کالاهای مبادله شدنی استفاده می شود و بخش خدمات به طور کلی و بخشهای ساختمان، آب و برق نیز از زیرمجموعه های صنعت، از محاسبات خارج می شوند. در این مطالعه، با توجه به محدودیت اطلاعات، صرفاً بخش صنعت از مجموعه بخشهای مبادله شدنی، مورد توجه بوده است. به همین دلیل در عمل سازگاری تولید صنعتی را با صادرات صنعتی کشور مقابل سنجیده ایم.^۲ جدول (۷) نتایج محاسبات صورت گرفته در ارتباط با شاخص سازگاری تولید و صادرات را نشان می دهد.

1. Tradable.

۲. در مورد نحوه محاسبه شاخص $Cq_j X_k$ ذکر چند نکته را لازم می داند:

نخست آنکه اطلاعات مربوط به تولید صنعتی ایران، براساس آخرین آمار کارگاههای صنعتی، مرکز آمار ایران، می باشد. در مورد تولید صنعتی کشورهای طرف نیز تلاش گردید از آمارهای سالنامه یونیدو در مورد این کشورها استفاده شود، لیکن بجز کشور اندونزی، دو کشور دیگر آمار تولید صنعتی خود را از سال ۲۰۰۲ به این سوبه

یونیدو اعلام نکرده اند. بنابراین، محاسبه شاخص $CX_j q_k$ در مورد این دو کشور میسر نگردید.

دوم آنکه اطلاعات مربوط به تولید صنعتی، براساس تفکیکی ترین درجه اطلاعات و در حد کدهای ۴ رقمی ISIC استفاده شده است. آمار مربوط به صادرات نیز که برحسب HS شش رقمی در اختیار بوده، به کدهای مطابق ISIC (از کدهای ۱۵۱۱ تا ۳۷۲۰) تبدیل شد و سپس محاسبات براساس رابطه شماره (۶) انجام گردید. تبدیل کدهای HS به ISIC تحت برنامه انجام گردیده است.

جدول ۷- شاخص‌های سازگاری میان تولید و صادرات

سازگاری تولید ایران با صادرات طرفها		سازگاری تولید ایران با صادرات طرفها	
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
-	$Cx_{IRN}q_{syr}$	۰/۲۷۳۳	$Cq_{IRN}x_{syr}$
-	$Cx_{IRN}q_{Tur}$	۰/۳۹۷۸	$Cq_{IRN}x_{Tur}$
۰/۳۳۵۱	$Cx_{IRN}q_{Ind}$	۰/۴۱۳۹	$Cq_{IRN}x_{Ind}$

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در زمینه شاخص سازگاری تولید ایران با صادرات کشورهای طرف نیز، بالاترین مقدار شاخص مربوط به کشور اندونزی است و کشورهای ترکیه و سوریه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این شاخص در واقع پتانسیل «ایجاد تجارت» بین دو کشور را نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت که در مورد این شاخص وجود دارد آن است که چنانچه شاخص محاسبه شده، به دلیل مقدار نزدیک به واحد آن، متضمن مهم بودن و اثرگذار بودن یک موافقت‌نامه باشد، در واقع به طور مستقیم متضمن منافع عمده ناشی از موافقت‌نامه هم خواهد بود (برخلاف شاخص پیشین)، چراکه «ایجاد تجارت» فقط یک اثر دارد و آن هم افزایش رفاه است^۱. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که ترکیب دو شاخص سازگاری واردات کشور مبدأ با صادرات طرف موافقت‌نامه و شاخص سازگاری تولید کشور مبدأ با صادرات طرف مقابل روی هم رفته می‌توانند این نتیجه را دربرداشته

جدول ۸- وضعیت مقایسه‌ای شاخصهای سازگاری واردات-صادرات با شاخص تولید-صادرات

سازگاری تولید ایران با صادرات طرفها		سازگاری واردات ایران با صادرات طرفها	
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۰/۲۷۳۳	$Cq_{IRN}x_{syr}$	۰/۰۶۸۳۹	$Sm_{IRN}x_{syr}$
۰/۳۹۷۸	$Cq_{IRN}x_{Tur}$	۰/۱۴۸۴۸	$Sm_{IRN}x_{Tur}$
۰/۴۱۳۹	$Cq_{IRN}x_{Ind}$	۰/۲۱۵۰۰	$Sm_{IRN}x_{Ind}$

ماخذ: محاسبات تحقیق

1. Michaely (1996), p.25.

باشند که یک موافقت نامه موردنظر، ضمن آنکه می تواند مهم و اثرگذار باشد، حائز فایده بالایی می تواند باشد. این نتایج در صورتی به دست می آید که شاخصهای یادشده مقادیر بالایی را به خود اختصاص دهند. جدول (۸) این شاخص ترکیبی را نشان می دهد.^۱

ملاحظه می شود که در حالت ترکیبی نیز، موافقت نامه تجارت ترجیحی با اندونزی در رتبه اول و ترکیه و سوریه در رتبه های بعدی قرار دارند. لازم به تذکر است که مقادیر شاخص های یادشده برای اندونزی، فاصله نسبتاً زیادی از واحد دارند، لیکن چون در مقایسه با شاخص های دو کشور دیگر از وضعیت بهتری برخوردار هستند، از اینرو انتظار می رود موافقت نامه با اندونزی صرفاً در حالت مقایسه ای حائز فایده بیشتری باشد.

۳-۵-۴. شاخص سازگاری ساختارهای صادراتی دو طرف موافقت نامه

سازگاری صادرات ایران با صادرات سه کشور طرف موافقت نامه نیز مطابق رابطه (۷) محاسبه گردید که نتایج محاسبات در جدول (۹) نمایش داده شده است.

جدول ۹- سازگاری صادرات ایران با صادرات کشورهای طرف

مقدار	شاخص
۰/۰۱۸۰۲۸	$Tx_{IRN} \cdot X_{syr}$
۰/۰۲۱۳۴	$Tx_{IRN} \cdot X_{Tur}$
۰/۱۴۳۰۴	$Tx_{IRN} \cdot X_{Ind}$

ماخذ: محاسبات تحقیق

در زمینه شاخص اخیر نیز، سازگاری صادرات ایران با صادرات اندونزی بیش از دیگر کشورهاست. در تحلیل و تفسیر شاخص سازگاری صادرات باید به این نکته توجه شود که این شاخص به تنهایی چندان معنی دار نیست. طراحی این شاخص با این هدف بوده است که در کنار شاخص سازگاری تولید-صادرات به کار برده شود تا ریسک تفسیرهای نادرست شاخص تولید-صادرات را کاهش دهد. برای مثال فرض کنید دو کشوری که قصد ورود به یک موافقت نامه را دارند، هر دو در یک کالا، مثلاً نفت، تخصص پیدا کرده

1. Ibid.

باشند (و به این لحاظ موانع فرا راه واردات آن را برچیده باشند). در این صورت نفت سهم بزرگی را هم در تولید و هم صادرات هر دو کشور به خود اختصاص خواهد داد. بنابراین، شاخص سازگاری تولید- صادرات مقدار بالایی را پیدا خواهد کرد، اما در این حالت استنباط «ایجاد تجارت» بالا، به دلیل بالا بودن مقدار محاسبه شده شاخص یادشده، استنباط درستی نیست. برای تشخیص اینکه در چه مواردی می‌توان به نتایج حاصل از شاخص تولید- صادرات اعتماد کرد، شاخص سازگاری ساختارهای صادراتی دو طرف (T) طراحی شده است. بالا بودن مقدار عددی شاخص سازگاری ساختارهای صادراتی دوطرف، نشانگر پتانسیل پایین ایجاد تجارت است. بنابراین، این شاخص را حتماً باید در کنار شاخص سازگاری تولید- صادرات محاسبه نموده و سپس نتایج را تفسیر کرد.^۱

با توجه به رابطه شاخص سازگاری تولید- صادرات و شاخص سازگاری صادرات- صادرات و با توجه به مقادیر محاسباتی شاخص‌های یادشده که در جداول (۷) و (۹) ارائه شده‌اند، نظر به اینکه شاخص سازگاری صادرات ایران با صادرات اندونزی رقم بالایی را نشان نمی‌دهد و فاصله قابل توجهی با واحد دارد، امکان تفسیر نادرست شاخص تولید- صادرات وجود ندارد و می‌توان ادعا نمود پتانسیل ایجاد تجارت در موافقت‌نامه ایران و اندونزی بالاتر از پتانسیل ایجاد تجارت در دو کشور دیگر است.

جمع‌بندی و ملاحظات

در این مقاله، ضمن آنکه به تشریح روش پیشینی برای بررسی میزان مهم بودن و مؤثر بودن موافقت‌نامه PTA پرداختیم، با محاسبه شاخص‌های معرفی شده در بخش متدولوژی نتایج زیر حاصل گردید:

بالا بودن میانگین حسابی و موزون تعرفه‌های ایران به علاوه رقم قابل توجه انحراف معیار تعرفه‌های ایران به عنوان کشور مبدا امکان مهم بودن موافقت‌نامه تجارت ترجیحی را تقویت می‌نماید.

از سوی دیگر، از میان سه کشور طرف احتمالی موافقت‌نامه، سوریه شرایطی مشابه

1. Michaely (1996), p.26.

ایران دارد لیکن دو کشور دیگر هم از میانگین‌های ساده و موزون تعرفه‌ای پایینی برخوردارند و هم پراکندگی تعرفه‌ای آنها ناچیز است. از اینرو در میان طرفها نیز تعرفه‌های سوریه نشان از آن دارد که تجارت ترجیحی با آن مناسب است به شرطی که شاخصهای جریان‌ات تجاری نیز آن را تایید نماید.

نظر به اینکه سهم واردات ایران از هر یک از سه کشور طرف موافقت‌نامه از کل واردات ایران از جهان، ارقام بسیار اندکی است، می‌توان نتیجه گرفت عمده واردات ایران از دیگر کشورهای جهان صورت می‌پذیرد. بنابر این، سهم‌های وارداتی اندک گفته شده نمی‌تواند ممانعت جدی از بروز اثر انحراف تجارت در قالب PTA نماید.

همچنین با توجه به اندک بودن سهم واردات از ایران در کل واردات این کشورها از جهان، نمی‌توان انتظار داشت عقد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی منجر به بهبود قابل ملاحظه‌ای در رابطه مبادله گردد.

از میان طرف‌های موافقت‌نامه، کشورهای ترکیه و اندونزی به لحاظ تولید ناخالص داخلی و هم به جهت سهم صادرات صنعتی از کل صادرات وضعیت بهتری دارند و از این رو نشان دهنده آن است که ساختار اقتصاد این دو کشور به ساختار اقتصاد دیگر کشورها بیشتر شباهت داشته باشد و در نتیجه انحراف تجارتی که پس از اجرای موافقت‌نامه به سوی کشور طرف موافقت‌نامه اتفاق می‌افتد، با هزینه کمتری صورت گیرد. اقتصاد سوریه در مقایسه با اقتصاد دو کشور دیگر کوچکتر است و سهم صادرات صنعتی آن هم از کل صادرات پایین است، بنابر این تنوع اقتصادی آن هم اندک است و در نتیجه انحراف تجارت ناشی از PTA با سوریه، نسبت به دو کشور دیگر پرهزینه‌تر است. محاسبه شاخص سازگاری جریان‌ات تجاری ایران با طرفهای احتمالی موافقت‌نامه نشان داد که در کل پتانسیل انحراف تجارت در یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی میان ایران و سه کشور یاد شده مقدار اندکی است چرا که مقدار عددی شاخص‌های محاسبه شده فاصله زیادی با واحد دارد. این موضوع نشان می‌دهد که عموماً ایران واردات کمتری از کالاهایی دارد که این سه کشور صادر می‌نمایند و این کشورها واردات کمتری از کالاهایی دارند که ایران صادر می‌نماید. لیکن، برغم کوچک بودن مقدار این شاخص، در

حالت مقایسه‌ای می‌توان گفت پتانسیل انحراف تجارت در PTA با اندونزی بیشتر است و کشورهای ترکیه و سوریه در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

مقادیر محاسباتی شاخص سازگاری تولید و صادرات نیز که به پتانسیل ایجاد تجارت موافقت‌نامه ناظر است، نشان داد که انطباق تولید ایران با صادرات اندونزی بیش از دو کشور دیگر است. برغم آنکه در مجموع پتانسیل ایجاد تجارت اندکی در موافقت‌نامه با هر سه کشور ملاحظه می‌شود، موافقت‌نامه با اندونزی مطلوب‌تر بنظر می‌رسد.

با توجه به اینکه ایران و اندونزی هر دو کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت هستند این احتمال وجود دارد که سازگاری تولید و صادرات ایران و اندونزی ناشی از این مساله باشد لیکن محاسبه شاخص سازگاری صادرات طرفهای موافقت‌نامه - که اساساً برای جلوگیری از تفسیرهای نادرست در چنین شرایطی طراحی شده است، نشان داد که مقدار مطلق شاخص سازگاری صادرات ایران به صادرات اندونزی رقمی بسیار کوچک است (۰/۱۴)، بنابراین می‌توان به نتایج مربوط به پتانسیل ایجاد تجارت بالاتر در مورد اندونزی اعتماد کرد.

در مجموع، با توجه به آنچه از متدولوژی انجام این مطالعه به تفصیل گفته شد و نیز در نظر گرفتن این نکته که شاخصهای معرفی شده شاخصهایی رتبه‌ای (ordinal) هستند می‌توان نتیجه گرفت، هم پتانسیلهای ایجاد تجارت و هم پتانسیلهای انحراف تجارت در تجارت ترجیحی ایران با اندونزی در رتبه اول و پتانسیلهای مذکور در تجارت با کشورهای ترکیه و سوریه در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

منابع

- ذوالجناحی اسکویی، رامین (۱۳۸۳)؛ آثار و تبعات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی با تاکید بر کاهش تعرفه‌ها: الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه CGE، پایان‌نامه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مجاور حسینی، فرشید (۱۳۸۱)؛ «یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) برای بررسی چالشهای رویاروی صنعت در الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و بررسی تاثیر آن بر ارزش افزوده، سرمایه گذاری و تراز تجاری بخش»، وزارت صنایع و معادن.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۳)؛ «ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقتنامه ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC)»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مدیریت بازار مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۳)؛ «بررسی آثار ایستای موافقتنامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو D-8 جریانات تجاری، درآمدهای دولت و رفاه در ایران»، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مدیریت بازار مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن و سیف اله صادقی یارندی (۱۳۸۵)؛ «بررسی آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۸، صص ۲۵۹-۲۹۴.
- Andriamananjara, Soamiley (1999); "On the Size and Number of Regional Arrangements: A Political Economy Model", *Policy Research Working paper 2117*, The World Bank.
- Baldwin, Richard (1993); "A Domino Theory of Regionalism", *CEPR Working Paper No. 857*, November.
- Bhagwati, Jagdish (1993); "Regionalism and Multilateralism: An Overview", in J. De Melo and A. Panagariya (eds.), *New Dimensions in Regional Integration*, Cambridge University Press, pp.22-51.

- Bhagwati, J., D. Greenaway and A. Panagariya (1998); "Trading Preferentially: Theory and Policy", *The Economic Journal*, Vol. 108, No. 449, (Jul.), pp. 1128-1148.
- Bhagwati, Jagdish (1968); "Trade Liberalization among LDCs, Trade Theory and GATT Rules", in (J.N. Wolf ed.) *Value, Capital and Growth*, Oxford: Oxford University press.
- Bhagwati, Jagdish (1991); "The World Trading System at Risk", Princeton: Princeton University Press.
- Bhagwati, Jagdish and Ernesto, Tironi (1980); "Tariff Change, Foreign Capital, and Immiserization: A Theoretical Analysis", *Journal of Development Economics*, February, pp. 103-15.
- Bhagwati, J. and A. Panagariya (1996a); "preferential Trading Areas and Multilateralism: Strangers, Friends or Foes?", in (Jagdish Bhagwati and Arvind Panagariya, eds.); *The Economics of Preferential Trade Agreements*, Washington, D.C., AEI Press.
- Bhagwati, J. and A. Panagariya (1996b); "The Theory of Preferential Trade Agreements: Historical Evolution and Current Trends", *American Economic Review*, 86, pp. 82-87.
- Brecher, Richard and Jagdish Bhagwati (1981); "Foreign Ownership and the Theory of Trade and Welfare," *Journal of Political Economy*, (June), pp. 497-511.
- Cooper, C.A and B.F. Massell (1965b); "A New Look at Customs Union Theory", *Economic Journal*, Vol. 75, pp. 742-7.
- Cooper, C.A. and B.F. Massell (1965a); "Towards a General Theory of Customs Unions for Developing Countries", *Journal of Political Economy*, Vol. 73(5), pp. 461-76.
- Francois, J.F and K.A. Reinert (eds) (1997); "Applied Methods for Trade Policy Analysis: A Handbook", Cambridge University Press.
- Frankel, J.A (1997); "Regional Trading Blocs in the World Economic System", *Institute for International Economics*, Washington D.C.
- Grossman, Gene and Elhanan Helpman (1995); "The Politics of Free Trade Agreements", *American Economic Review*, pp. 667-90.

- Hoeckman B. and D.E. Konan(1998); "Deep Integration, Non-discrimination and Euro-Mediterranean Free Trade", Presented at the Conference Regionalism in Europe: Geometries and Strategies after 2000, Bonn, November 6-8.
- Haufbauer, G.C.(1996); " Surveying the Costs of Protection: A Partial Equilibrium Approach", in Jeffrey Scott ed., *The World Trading System: Challenges Ahead*, Washington D.C., Institute for International Economics, p.29.
- Johnson, Harry (1965); "An Economic Theory of Protectionism, Tariff Bargaining and the Formation of Customs unions", *Journal of Political Economy*, (June) Vol. 73, pp.256-83.
- Krishna, parvin (1995); "Regionalism and Multilateralism: A Political Economy Approach", *Economic Department*, Columbia University, also Published in *Quarterly Journal of Economics*, 1997.
- Krishna, Parvin (1998); "Regionalism and Multilateralism: a Political Economy Approach", *Quarterly Journal of Economics*, Vol 113, February, pp.227-250.
- Krugman, Paul (1991); "The Move to free Trade Zones", Federal Reserve Bank of Kansas City, Policy Implications of Trade and Currency Zones.
- Levy, Philip (1994); "A Political Economic Analysis of Free Trade Agreements", Discussion Paper No. 7/8, Economic Growth Center, Yale university, also Published in *American Economic Review*, 1997,
- Lipsey, Richard (1958); "The Theory of Customs Unions: A General Equilibrium Analysis", PhD Dissertation.
- Mead, James (1955); *The Theory of Customs Union*, Amsterdam: North Holland.
- Michaely, Michael (1996); " *Trade Preferential Agreements in Latin America*", Policy Research Working Paper, World Bank.
- Michaely, Michael (2001); " *Trade Liberalization and Preferential Trade Agreements: Some Unexplored or Unresolved Issues*", Center for Research on Economic Development and Policy Reform, Stanford University, working paper No.94.
- Michaely, Michael(2004); " *Trade Liberalization and Trade Preferences*", Ashgate.
- Panagariya, A. (1997a); " *The Mead Model for Preferential Trading: History, Analytics and Policy Implications*", University of Maryland. In (Benjamin

- Cohen ed.), *International Trade and Finance: New Frontiers for Research, Essays in Honour of peter kenan* Cambridge: Cambridge University.
- Panagariya, A. (1997b); "*Preferential Trading and the Myth of Natural Trading Partners*", *Japan and the World Economy*, Vol. 9 December, pp.471-489.
- Panagariya, Arvind (1995); "Rethinking the New Regionalism", Paper Presented at the Trade Expansion Program Conference of the UN Development Programme and World Bank, January.
- Panagariya, Arvind (1996); "The Free Trade of the Americas: Good for Latin America?", *The World Economy*, Vol. 19(5),pp.485-515.
- Panagariya, Arvind (2000); "Preferential Trade Liberalization: The Traditional Theory and New Developments", *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXVIII (June).
- Summers, Lawrence (1991); "Regionalism and the World Trading System", Federal Reserve Bank of Kansas City, Political Implications of Trade and Currency zones.
- Vamakidis,A. (1999);" Regional Trade Agreements or Broad Liberalization: The Traditional Theory and New Developments", *Journal of Economic Literature*,vol.46, No.1(March).
- USITC(2002);" The Economic Effects of Significant US Import Restraints" , Third Update.
- Viner, Jacob (1950); "The Customs Union Issue", New York: Carnegie Endowment for International peace.
- Wei, Sheng – Jin and Jeffrey Frankel (1997); "Open Regionalism in a World of Continental Trade Blocs", presented at the American Economic Association Meetings' January 3-6 (mimeo 1996).
- Wonnacott, Paul and Mark, Lutz (1989); "Is There a Case for Free Trade Areas?", in Jeffery Scott Free Trade Areas and US Trade Policy, Washington, D.C.: Institute for International Economics, pp.59-84.
- Yeats, Alexander (1996); "Does Mercosur's Trade Performance Justify Concerns about the Effects of Regional Trade Arrangements? Yes!", (mimeo) , World Bank.